

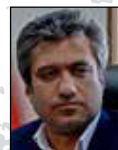
تعارض منافع در خدمات مهندسی ساختمان:

# تحلیل حقوقی و تطبیقی مقررات ایران با استانداردهای بین المللی و پیامدهای پنهان آن بر کیفیت و چرخه ساخت و ساز کشور



وحید مهدویان

دکترای شهرسازی، دانشگاه هنر  
اصفهان، مشاور و دستیار ویژه شهردار  
اصفهان در امور معماری و شهرسازی،  
عضو سازمان نظام مهندسی  
ساختمان استان اصفهان



[vhidmhdvinn@gmail.com](mailto:vhidmhdvinn@gmail.com)



تعارض منافع یکی از مسائل بنیادین در نظام کنترل و نظارت ساخت و ساز کشور است.

## ۱- چکیده

تعارض منافع یکی از مسائل بنیادین در نظام کنترل و نظارت ساخت و ساز کشور است که با وجود تصریح در مقررات، رویه قضایی و بخشنامه‌های حرفه‌ای، در مرحله اجرا با کاستی‌های جدی روبه‌رو است. این مقاله با تمرکز بر خدمات مهندسی ساختمان، جایگاه تعارض منافع مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی را در قوانین و آئین‌نامه‌های ایران بررسی کرده و آن را با استانداردها و تجربیات بین‌المللی از منظر حقوقی و تطبیقی مقایسه می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف در شاخص‌های شناسایی تعارض منافع، نبود سازوکارهای الزام‌آور برای افشا و نظارت، بخشنامه محوری در تنظیم‌گری و فقدان ضمانت اجرای کارآمد موجب شده است ممنوعیت ارائه خدمات مهندسی توسط کارکنان دستگاه‌های اجرایی، به جای کاهش تعارض منافع، با شکل‌گیری سازوکارهای کم‌شفاف در فرایند ارجاع خدمات مهندسی همراه شود. این وضعیت، علاوه بر ایجاد چرخه‌ای از منافع متقابل میان طراح، ناظر، مجری و کارفرما، منجر به کاهش کیفیت ساخت و ساز، تضعیف استقلال حرفه‌ای مهندسان و انحراف چرخه ثبت و تخصیص ظرفیت از مسیر قانونی می‌شود. مقاله نتیجه می‌گیرد که مدیریت تعارض منافع در ارائه خدمات مهندسی ساختمان صرفاً با حذف ظرفیت تخصصی و بدون شفاف‌سازی معیارهای تشخیص، بدون بازطراحی سازوکارهای حکمرانی حرفه‌ای و بدون استقرار نظام پاسخگویی

ساختاری، کارایی لازم را نخواهد داشت و در نهایت به استمرار همکاری‌های فاقد سازوکار شفاف، افت کیفیت ساخت و ساز و آسیب به جایگاه اجتماعی مهندسان در حوزه ساختمان منجر می‌شود.

## ۲- مقدمه

نظام کنترل و نظارت بر ساخت و ساز به عنوان یکی از ارکان اصلی تضمین ایمنی، کیفیت و پایداری محیط زیست، وابستگی مستقیمی به کارآمدی سازوکارهای حرفه‌ای و نهادی در ارائه خدمات مهندسی ساختمان دارد. نحوه تنظیم روابط میان مهندسان، دستگاه‌های اجرایی و بازار خدمات مهندسی نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد این نظام ایفا می‌کند. یکی از چالش‌های مهم در این حوزه مسئله تعارض منافع است که در سال‌های اخیر، هم در ادبیات حقوق عمومی و هم در سیاست‌گذاری حرفه‌ای، مورد توجه فزاینده قرار گرفته است.

در نظام حقوقی ایران، تعارض منافع عمدتاً از منظر جلوگیری از تداخل نقش‌های حاکمیتی و حرفه‌ای مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی مورد توجه قرار گرفته است. بخش قابل توجهی از مقررات و بخشنامه‌های موجود، بر محدودسازی یا ممنوعیت ارائه مستقیم خدمات مهندسی توسط این گروه از مهندسان متمرکز شده‌اند. این رویکرد، در سطح نظری، با هدف صیانت از استقلال نظارت فنی و پیشگیری از تأثیر منافع شخصی بر تصمیمات اداری اتخاذ شده است. با این حال، تجربه اجرایی این مقررات

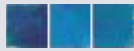
نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر محدودیت نقش‌ها، بدون توسعه هم‌زمان سازوکارهای شفافیت، افشا و پاسخگویی نهادی، می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای در چرخه ارائه خدمات مهندسی ایجاد کند.

مطالعات تطبیقی در نظام‌های حرفه‌ای موفق نشان می‌دهد که مدیریت تعارض منافع، بیش از آن که مبتنی بر حذف ظرفیت تخصصی مهندسان باشد، بر طراحی فرایندهای شفاف، قابل رهگیری و رقابت‌پذیر در ارجاع خدمات و تصمیم‌گیری‌های فنی استوار است. در چنین نظام‌هایی، تعارض منافع به عنوان یک واقعیت ساختاری پذیرفته می‌شود و با ابزارهای نهادی مدیریت می‌گردد، نه با ممنوعیت‌های کلی و فاقد سازوکارهای مکمل. در این چهارچوب، مقاله حاضر با تمرکز بر خدمات مهندسی ساختمان، به تحلیل حقوقی مقررات ناظر بر تعارض منافع مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در ایران می‌پردازد و ضمن بررسی و مطالعات تطبیقی با نظام‌های سایر کشورها و استانداردهای بین‌المللی، پیامدهای ساختاری این مقررات را بر فرایند ارجاع خدمات و کیفیت ساخت و ساز بررسی می‌کند. هدف مقاله ارائه خوانشی تنظیم‌گرانه از مسئله تعارض منافع و تبیین ضرورت بازطراحی سازوکارهای حکمرانی حرفه‌ای به منظور ارتقای شفافیت، پاسخگویی و کارآمدی نظام مهندسی ساختمان است.

## ۳- چهارچوب حقوقی تعارض منافع مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در ایران

بررسی نظام حقوقی حاکم نشان می‌دهد که مواجهه با تعارض منافع عمدتاً مبتنی بر رویکرد «ممنوعیت نقش حرفه‌ای» بوده است. آئین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و مجموعه‌ای از بخشنامه‌ها، ارائه مستقیم خدمات مهندسی توسط کارکنان دستگاه‌های اجرایی را به عنوان راهکار اصلی پیشگیری از تعارض منافع پیش‌بینی کرده‌اند. مبنای این رویکرد تفکیک میان نقش حاکمیتی و نقش حرفه‌ای و جلوگیری





نظام‌های حرفه‌ای موفق، به جای تمرکز بر ممنوعیت فعالیت مهندسان شاغل در بخش عمومی، بر طراحی سازوکارهای شفافیت، افشا و پاسخگویی نهادی تأکید دارند.



در نظام‌های حقوقی آنگلو ساکسون، مانند بریتانیا و کانادا، مدیریت تعارض منافع در خدمات مهندسی بر اصل تفکیک نهادی نقش‌ها و پاسخگویی حرفه‌ای استوار است. مهندسان شاغل در بخش عمومی می‌توانند در خارج از حوزه صلاحیت مستقیم سازمان متبوع خود، فعالیت حرفه‌ای داشته باشند، مشروط بر آن‌که این فعالیت‌ها به‌طور کامل افشا شده و تحت نظارت نهادهای حرفه‌ای مستقل انجام گیرد. در این نظام‌ها، نهادهای تنظیم‌گر حرفه‌ای مسئول رسیدگی به تعارض منافع هستند و سازوکارهای انضباطی به‌صورت شفاف و قابل پیش‌بینی اعمال می‌شود. این رویکرد، از تمرکز بیش از حد اختیار در دستگاه اجرایی جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب در این نظام حقوقی، تفکیک نهادی نقش‌ها و واگذاری رسیدگی به تعارض منافع به نهادهای حرفه‌ای مستقل، با پاسخگویی حرفه‌ای شفاف استوار می‌باشد.

■ سامانه‌های شفاف ارجاع خدمات در کشورهای توسعه‌یافته آسیایی

در برخی کشورهای توسعه‌یافته آسیایی، مانند ژاپن و کره جنوبی، فرایند ارجاع خدمات مهندسی در پروژه‌های ساختمانی از طریق سامانه‌های دیجیتال متمرکز و قابل رهگیری انجام می‌شود. این سامانه‌ها اطلاعات مربوط به صلاحیت، ظرفیت، سابقه عملکرد و ارتباطات حرفه‌ای مهندسان را ثبت می‌کنند و تخصیص خدمات بر مبنای معیارهای از پیش تعریف‌شده صورت می‌گیرد. در این مدل، نقش افراد در تصمیم‌گیری‌ها مستند و قابل ارزیابی است و امکان شکل‌گیری روابط حرفه‌ای فاقد سازوکار رسمی به حداقل می‌رسد.



تخصصی نظام مهندسی، بدون مسیر رسمی برای بهره‌برداری نهادی، از چرخه رسمی تولید ارزش حرفه‌ای خارج شود. در چنین شرایطی، تعارض منافع نه حذف می‌شود و نه مدیریت، بلکه به سطحی کم‌شفاف و ساختاری منتقل می‌گردد.

#### ۴- چهارچوب حقوقی تعارض منافع مهندسان شاغل در نظام‌های حرفه‌ای و استانداردهای بین‌المللی

بررسی تجارب بین‌المللی در مدیریت تعارض منافع در خدمات مهندسی ساختمان نشان می‌دهد که نظام‌های حرفه‌ای موفق، به جای تمرکز بر ممنوعیت فعالیت مهندسان شاغل در بخش عمومی، بر طراحی سازوکارهای شفافیت، افشا و پاسخگویی نهادی تأکید دارند. در این نظام‌ها، تعارض منافع به‌عنوان یک وضعیت بالقوه و قابل پیش‌بینی تلقی شده و از طریق ابزارهای تنظیم‌گرانه مدیریت می‌شود.

■ رویکرد افشا و ثبت منافع در نظام‌های حرفه‌ای اروپایی

در بسیاری از کشورهای اروپایی، از جمله آلمان و کشورهای اسکاندیناوی، مهندسان شاغل در دستگاه‌های عمومی از ارائه مستقیم خدمات مهندسی در پروژه‌های تحت صلاحیت سازمان متبوع خود منع می‌شوند، اما این ممنوعیت با الزام به ثبت و افشای منافع حرفه‌ای همراه است. مهندسان موظف‌اند هرگونه ارتباط حرفه‌ای، فعالیت جانبی یا منافع بالقوه مرتبط با حوزه تصمیم‌گیری خود را در سامانه‌های مشخص اعلام کنند. این اطلاعات در اختیار نهادهای نظارتی حرفه‌ای قرار می‌گیرد و امکان ارزیابی پیشینی تعارض منافع فراهم می‌شود. در این چهارچوب، مدیریت تعارض منافع مبتنی بر شفافیت است، نه حذف ظرفیت تخصصی.

■ تفکیک نهادی و پاسخگویی حرفه‌ای در نظام‌های آنگلو ساکسون

از تأثیر منافع شخصی بر تصمیمات نظارتی است. با این حال، مقررات موجود پیش از آن‌که به مدیریت تعارض منافع بپردازند، بر حذف ظاهری امکان بروز آن تمرکز دارند. تعارض منافع به‌صورت یک وضعیت بالفعل و رفتاری تلقی شده و کمتر به ماهیت بالقوه و ساختاری آن توجه شده است. فقدان شاخص‌های روشن برای تشخیص مصادیق، نبود نظام الزام‌آور برای ثبت و افشا و فقدان سازوکارهای حمایتی برای مهندسان شاغل موجب شده است بخشی از ظرفیت تخصصی از چرخه رسمی تولید ارزش خارج شود و تعارض منافع به سطحی کم‌شفاف و ساختاری منتقل شود.

یکی از چالش‌های اساسی در مقررات ایران فقدان شاخص‌های روشن و قابل سنجش برای تشخیص مصادیق تعارض منافع است. قوانین و آئین‌نامه‌ها مشخص نمی‌کنند که چه نوع ارتباطات حرفه‌ای، چه سطحی از تعاملات تخصصی یا چه میزان تأثیرگذاری غیرمستقیم می‌تواند مصادیق تعارض منافع تلقی شود. این ابهام، مرز میان روابط حرفه‌ای مجاز و روابط تأثیرگذار بر فرایند ارجاع خدمات مهندسی را مخدوش کرده و امکان تفسیر سلیقه‌ای مقررات را افزایش داده است.

چالش دوم، نبود نظام الزام‌آور برای ثبت، افشا و رهگیری ارتباطات حرفه‌ای مرتبط با ارجاع خدمات مهندسی است. در حالی که ممنوعیت ارائه مستقیم خدمات برای مهندسان شاغل اعمال می‌شود، هیچ سازوکار رسمی برای شفاف‌سازی ارتباطات حرفه‌ای آنان با بازار خدمات مهندسی پیش‌بینی نشده است. این خلأ نهادی موجب می‌شود که بخشی از تعاملات حرفه‌ای، خارج از چرخه رسمی ثبت و نظارت باقی بماند و امکان ارزیابی پیشینی یا پسینی آثار آن‌ها بر تصمیمات فنی و اداری وجود نداشته باشد.

در نهایت، مقررات موجود فاقد سازوکارهای جبرانی و حمایتی برای مهندسان شاغلی است که مطابق قانون امکان ارائه خدمات مهندسی را ندارند. این امر موجب می‌شود بخشی از ظرفیت



بازطراحی چهارچوب مدیریت تعارض منافع در خدمات مهندسی ایران، مستلزم تغییر رویکرد از سیاست‌های صرفاً محدودکننده به تنظیم‌گری هوشمند مبتنی بر شفافیت، افشا و پاسخگویی نهادی است.

#### ■ استانداردهای حرفه‌ای بین‌المللی

در سطح استانداردهای بین‌المللی، اسناد حرفه‌ای منتشرشده توسط نهادهایی مانند فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور (FIDIC) و سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO) بر اصولی چون استقلال حرفه‌ای، شفافیت در روابط قراردادی، افشای منافع بالقوه و پاسخگویی نهادی تأکید دارند. این اسناد، تعارض منافع را نه به عنوان تخلف، بلکه به عنوان وضعیتی قابل مدیریت تعریف می‌کنند و ابزارهای کنترل آن را در قالب الزامات قراردادی و فرایندی پیش‌بینی می‌نمایند.

بدین ترتیب رویکرد نظام‌های حرفه‌ای و استانداردهای بین‌المللی را می‌توان اینگونه جم‌ع‌بندی نمود:

اروپا: الزام به ثبت و افشای منافع حرفه‌ای برای مهندسان شاغل در بخش عمومی. مدیریت تعارض بر پایه شفافیت، نه حذف ظرفیت تخصصی.

نظام‌های آنگلو ساکسون: تفکیک نهادی نقش‌ها و واگذاری رسیدگی به تعارض منافع به نهادهای حرفه‌ای مستقل، با پاسخگویی حرفه‌ای شفاف.

کشورهای آسیایی توسعه‌یافته: سامانه‌های دیجیتال متمرکز برای ارجاع خدمات مهندسی، ثبت صلاحیت، سابقه عملکرد و ارتباطات حرفه‌ای.

استانداردهای بین‌المللی (FIDIC, ISO): تأکید بر استقلال حرفه‌ای، شفافیت قراردادی، افشای منافع بالقوه و پاسخگویی نهادی.

#### ۵- تحلیل تطبیقی و دلالت‌های تنظیم‌گرایانه برای نظام خدمات مهندسی ایران

تحلیل تطبیقی نظام‌های منتخب در مدیریت تعارض منافع خدمات مهندسی نشان می‌دهد که تفاوت اصلی میان رویکردهای بین‌المللی و چهارچوب مقرراتی ایران، نه در میزان سخت‌گیری مقررات، بلکه در نوع ابزارهای تنظیم‌گرانه مورد استفاده نهفته است. در اغلب نظام‌های حرفه‌ای مورد بررسی، تعارض منافع به عنوان یک وضعیت

بالقوه و اجتناب‌ناپذیر در فعالیت‌های تخصصی پذیرفته شده و مدیریت آن بر پایه شفافیت، افشا و پاسخگویی نهادی استوار است. در مقابل، در چهارچوب مقررات ایران، تمرکز غالب بر محدودسازی نقش‌ها بدون طراحی سازوکارهای نهادی مکمل بوده است.

در نظام‌های اروپایی، تأکید اصلی بر الزام مهندسان شاغل در بخش عمومی به ثبت و افشای منافع حرفه‌ای است. به‌گونه‌ای که هرگونه ارتباط مرتبط با حوزه تصمیم‌گیری، پیش از بروز تعارض بالفعل قابل شناسایی و مدیریت باشد. این رویکرد امکان اعمال نظارت پیشینی را فراهم کرده و از تبدیل تعارض منافع به مسئله‌ای غیرشفاف جلوگیری می‌کند. دلالت تنظیم‌گرانه این تجربه برای ایران آن است که ممنوعیت ارائه خدمات مهندسی، در غیاب نظام افشا و ثبت منافع، ابزار کارآمدی برای مدیریت تعارض منافع محسوب نمی‌شود.

در نظام‌های آنگلو ساکسون، تفکیک نهادی نقش‌ها و واگذاری مسئولیت رسیدگی به تعارض منافع به نهادهای حرفه‌ای مستقل، موجب کاهش تمرکز اختیارات در دستگاه‌های اجرایی شده است. این مدل نشان می‌دهد که پاسخگویی حرفه‌ای، زمانی مؤثر است که همراه با استقلال نهادی نهاد تنظیم‌گر باشد. در ایران، تمرکز تنظیم‌گری تعارض منافع در قالب بخشنامه‌های اداری، بدون مشارکت فعال نهادهای حرفه‌ای مستقل، ظرفیت لازم برای مدیریت پایدار این مسئله را ندارد.

در کشورهای توسعه‌یافته آسیایی، تمرکز بر سامانه‌های دیجیتال فرایند تخصیص ظرفیت و ارزیابی عملکرد حرفه‌ای را فراهم کرده است. این تجربه نشان می‌دهد که شفافیت فرایندی، نقش مکملی در کنار مقررات ایفا می‌کند و می‌تواند از شکل‌گیری رویه‌های فاقد شفافیت در ارجاع خدمات جلوگیری کند. برای نظام خدمات مهندسی ایران، این الگو بیانگر ضرورت حرکت از تنظیم‌گری مبتنی بر ممنوعیت به سمت تنظیم‌گری مبتنی بر داده و سامانه‌های قابل نظارت است.

در سطح استانداردهای بین‌المللی نیز، اسناد حرفه‌ای معتبر بر اصول استقلال حرفه‌ای، شفافیت در روابط قراردادی و افشای منافع بالقوه تأکید دارند. این استانداردها نشان می‌دهد که تعارض منافع، مادامی که شناسایی، ثبت و مدیریت شود، الزاماً به تضعیف کیفیت خدمات مهندسی منجر نمی‌شود. در مقابل، فقدان سازوکارهای افشا و پاسخگویی، حتی در حضور ممنوعیت‌های رسمی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز پیامدهای ناخواسته تنظیم‌گری گردد.

برایند تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که بازطراحی چهارچوب مدیریت تعارض منافع در خدمات مهندسی ایران، مستلزم تغییر رویکرد از سیاست‌های صرفاً محدودکننده به تنظیم‌گری هوشمند مبتنی بر شفافیت، افشا و پاسخگویی نهادی است. چنین تغییری، علاوه بر کاهش تعارض منافع ساختاری، امکان بهره‌گیری نظام‌مند از ظرفیت تخصصی مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی را فراهم کرده و می‌تواند به ارتقای کیفیت ساخت‌وساز و افزایش اعتماد عمومی به نظام مهندسی منجر شود.

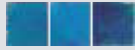
#### ۶- پیامدهای ساختاری چهارچوب فعلی ایران بر فرایند ارائه خدمات مهندسی و کیفیت ساخت‌وساز

چهارچوب مقرراتی حاکم بر مدیریت تعارض منافع در خدمات مهندسی ساختمان ایران، که عمدتاً بر محدودسازی یا ممنوعیت ارائه مستقیم خدمات مهندسی توسط مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی استوار است، پیامدهایی فراتر از اهداف اولیه قانونگذار در فرایند ارائه خدمات مهندسی و چرخه کیفیت ساخت‌وساز به همراه داشته است. این پیامدها، نه به صورت ناگهانی، بلکه به شکل تدریجی و ساختاری در عملکرد نظام مهندسی بروز یافته‌اند.

نخستین پیامد ساختاری، اختلال در فرایند گردش رسمی تخصص در بازار خدمات مهندسی است. محدودیت فعالیت حرفه‌ای بخشی از مهندسان، بدون پیش‌بینی مسیره‌های رسمی جایگزین



واگذاری بخشی از مسئولیت‌های رسیدگی به تعارض منافع به نهادهای حرفه‌ای مستقل، می‌تواند از تمرکز تنظیم‌گری در قالب بخشنامه‌های اداری بکاهد.



نتوانسته است به مدیریت مؤثر تعارض منافع منجر شود. این رویکرد، به دلیل فقدان نظام‌های شفافیت، افشا و پاسخگویی، در برخی موارد موجب انتقال تعارض منافع از سطح رسمی و قابل نظارت به سطحی کم‌شفاف و ساختاری شده است.

تحلیل پیامدهای ساختاری نشان می‌دهد که چهارچوب فعلی، فرایند ارائه خدمات مهندسی را با اختلال در گردش رسمی تخصص، تضعیف شفافیت در تخصیص ظرفیت‌ها و کاهش رقابت حرفه‌ای سالم مواجه کرده است. این وضعیت، به صورت تدریجی بر کیفیت ساخت‌وساز اثر گذاشته و موجب کاهش عمق نظارت فنی، تضعیف استقلال حرفه‌ای مهندسان و افت قابلیت مقایسه کیفیت پروژه‌ها شده است. از این منظر، تعارض منافع به عنوان یک مسئله تنظیم‌گرانه، مستقیماً با پایداری کیفی محیط ساخته شده و کارآمدی نظام مهندسی ارتباط دارد.

مقایسه با تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهد که مدیریت موفق تعارض منافع در خدمات مهندسی، مبتنی بر پذیرش ماهیت بالقوه این پدیده و طراحی ابزارهای نهادی برای شناسایی، افشا و پاسخگویی است. در این نظام‌ها، ممنوعیت فعالیت حرفه‌ای تنها یکی از ابزارها محسوب می‌شود و بدون زیرساخت‌های اطلاعاتی و نظارتی، کارایی محدودی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بازنگری در رویکردهای موجود در ایران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ارتقای حکمرانی حرفه‌ای در حوزه ساختمان است.



تصمیمات فنی را تحت تأثیر قرار دهد. این وضعیت، به مرور زمان، اعتماد حرفه‌ای و عمومی به نظام مهندسی را کاهش داده و جایگاه نهادی آن را تضعیف می‌کند.

در نهایت، مجموعه این پیامدها نشان می‌دهد که مسئله تعارض منافع در خدمات مهندسی ساختمان ایران، صرفاً یک چالش مقرراتی یا اخلاقی نیست، بلکه یک مسئله ساختاری در حکمرانی حرفه‌ای است. تا زمانی که تنظیم‌گری این حوزه بر ممنوعیت‌های غیرشفاف و فاقد سازوکارهای مکمل افشا، ثبت و پاسخگویی استوار باشد، فرایند ارائه خدمات مهندسی و کیفیت ساخت‌وساز در معرض اختلال‌های تدریجی و انباشتی قرار خواهد داشت. از این منظر، اصلاح چهارچوب مدیریت تعارض منافع، پیش شرط ارتقای پایدار کیفیت ساخت‌وساز و کارآمدی نظام مهندسی ساختمان در کشور محسوب می‌شود.

## ۷- جمع‌بندی

### ۷-۱- نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تعارض منافع در خدمات مهندسی ساختمان ایران، بیش از آن‌که ناشی از رفتار فردی مهندسان باشد، ریشه در کاستی‌های ساختاری چهارچوب تنظیم‌گری و حکمرانی حرفه‌ای دارد. تمرکز غالب مقررات موجود بر محدودسازی یا ممنوعیت ارائه مستقیم خدمات مهندسی توسط مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی، بدون پیش‌بینی سازوکارهای نهادی مکمل، در عمل

برای بهره‌گیری از ظرفیت تخصصی آنان، موجب شده است ارتباط میان نقش‌های حاکمیتی و شبکه تخصصی مهندسان، فاقد کانال‌های شفاف و قابل رهگیری باشد. در نتیجه، بخشی از ارجاعات خدمات مهندسی در قالب پیوندهای حرفه‌ای فاقد سازوکار رسمی شکل می‌گیرد؛ پیوندهایی که الزاماً ناقض مقررات نیستند، اما از منظر تنظیم‌گری، قابلیت نظارت و ارزیابی نظام‌مند ندارند.

پیامد دوم، تضعیف شفافیت و رقابت‌پذیری در فرایند تخصیص ظرفیت‌های حرفه‌ای است. در غیاب نظام‌های ثبت و افشای ارتباطات حرفه‌ای، فرایند ارجاع خدمات مهندسی نسبت به عوامل غیرقابل رهگیری حساس می‌شود و امکان مقایسه عینی میان صلاحیت‌ها، سابقه عملکرد و کیفیت خدمات ارائه شده کاهش می‌یابد. این وضعیت، نه تنها رقابت حرفه‌ای سالم را تضعیف می‌کند، بلکه امکان اصلاح سیاست‌های تخصیص ظرفیت بر مبنای داده‌های واقعی را نیز محدود می‌سازد.

سومین پیامد، تأثیر تدریجی بر کیفیت ساخت‌وساز است. هنگامی که فرایند ارائه خدمات مهندسی از مسیرهای غیرنظام‌مند عبور می‌کند، عمق نظارت فنی کاهش یافته و تصمیمات تخصصی بیش از پیش تحت تأثیر ملاحظات غیرساختاری قرار می‌گیرد. این امر به ویژه در پروژه‌های کوچک و متوسط شهری مشهودتر است، جایی که کنترل کیفیت بیش از آن‌که مبتنی بر نظام‌های استاندارد باشد، به روابط حرفه‌ای محلی وابسته می‌شود. نتیجه این فرایند، کاهش قابلیت مقایسه کیفیت پروژه‌ها و افت پایداری کیفی ساخت‌وساز در بلندمدت است.

چهارمین پیامد، تضعیف استقلال حرفه‌ای مهندسان در چهارچوب نظام مهندسی است. در شرایطی که مسیرهای رسمی ارائه خدمات مهندسی شفاف و قابل پیش‌بینی نباشد، مهندسان ناگزیر با الگوهای غیررسمی تعامل حرفه‌ای مواجه می‌شوند که می‌تواند استقلال



آموزش مستمر مهندسان و مدیران درباره ماهیت تعارض منافع و اهمیت افشا و پاسخگویی، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای حکمرانی حرفه‌ای ایفا کند.

## ۲-۷- پیشنهاد سیاستی و اجرایی

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد‌های زیر برای اصلاح چهارچوب مدیریت تعارض منافع در خدمات مهندسی ساختمان ایران ارائه می‌شود:

- تدوین شاخص‌های شفاف تشخیص تعارض منافع

لازم است معیارهای روشن، قابل سنجش و مبتنی بر نقش‌های حرفه‌ای برای تشخیص وضعیت‌های تعارض منافع تدوین شود تا مرز میان روابط حرفه‌ای مجاز و وضعیت‌های نیازمند مداخله تنظیم‌گرانه مشخص گردد.

- استقرار نظام الزام‌آور ثبت و افشای ارتباطات حرفه‌ای

ایجاد سامانه‌های نهادی برای ثبت، افشا و رهگیری ارتباطات حرفه‌ای مرتبط با ارجاع خدمات مهندسی، به‌ویژه برای مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی، می‌تواند امکان نظارت پیشینی و پاسخگویی پسینی را فراهم کند.

- بازطراحی نقش مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی

به‌جای حذف ظرفیت تخصصی این گروه، باید الگوهای رسمی و قابل نظارت برای بهره‌گیری از دانش و تجربه آنان در چهارچوبی شفاف و مستقل از فرایندهای اجرایی تعریف شود.

- تقویت نقش نهادهای حرفه‌ای مستقل در تنظیم‌گری

واگذاری بخشی از مسئولیت‌های رسیدگی به تعارض منافع به نهادهای حرفه‌ای مستقل، می‌تواند از تمرکز تنظیم‌گری در قالب بخشنامه‌های اداری بکاهد و پاسخگویی حرفه‌ای را تقویت کند.

- حرکت از بخشنامه‌محوری به تنظیم‌گری مبتنی بر داده

توسعه سامانه‌های اطلاعاتی و استفاده از داده‌های واقعی در ارزیابی عملکرد مهندسان و فرایندهای ارجاع خدمات، زمینه اصلاح سیاست‌ها بر مبنای شواهد را فراهم می‌سازد.

- توجه به آموزش و نهادینه‌سازی فرهنگ افشا

## ۳-۷- جمع‌بندی

آموزش مستمر مهندسان و مدیران درباره ماهیت تعارض منافع و اهمیت افشا و پاسخگویی، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای حکمرانی حرفه‌ای ایفا کند.

در مجموع، حل مسئله تعارض منافع در خدمات مهندسی ساختمان ایران، مستلزم تغییر رویکرد از سیاست‌های صرفاً محدودکننده به تنظیم‌گری هوشمند مبتنی بر شفافیت، پاسخگویی و اعتماد نهادی است. تحقق این رویکرد، علاوه بر کاهش تعارض منافع ساختاری، می‌تواند به ارتقای کیفیت ساخت‌وساز، تقویت استقلال حرفه‌ای مهندسان و افزایش کارآمدی سازمان نظام مهندسی ساختمان در کشور منجر شود.

## ۸- مراجع

[۱] قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب ۱۳۷۴ و اصلاحات بعدی، مجلس شورای اسلامی.

[۲] آئین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب هیئت وزیران.

[۳] وزارت راه و شهرسازی. (سال‌های مختلف). بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با اشتغال مهندسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی.

[۴] دیوان عدالت اداری. آرای وحدت رویه و آرای شاخص مرتبط با تعارض منافع و اشتغال هم‌زمان کارکنان دولت در فعالیت‌های حرفه‌ای.

[۵] سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور. مقررات حرفه‌ای، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با اخلاق حرفه‌ای و تعارض منافع.

[۶] مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. گزارش‌های تحلیلی مرتبط با تعارض منافع در نظام اداری و حرفه‌ای کشور.

[۷] Managing Conflict of Interest in the Public Sector: A Toolkit.

Organisation for Economic Co-

operation and Development. OECD. (2015).

[۸] Preventing Policy Capture: Integrity in Public Decision Making.

Organisation for Economic Co-operation and Development. OECD. (2020).

[۹] FIDIC Code of Ethics and Business Integrity.

International Federation of Consulting Engineers. FIDIC. (2017).

[۱۰] ISO 37001: Anti-bribery management systems — Requirements with guidance for use.

International Organization for Standardization. ISO. (2016).

[۱۱] Guidance on Conflicts of Interest. London: Engineering Council. Engineering Council UK. (2020).

[12] Enhancing Government Effectiveness and Transparency: The Fight Against

Corruption. World Bank. (2018).

[۱۳] A Government That Worked Better and Cost Less? Oxford University Press. Peters, B. G. (2018).

[۱۴] The Politics of Bureaucracy. Routledge. Washington, DC.

Hood, C., & Dixon, R. (2015).